



MLJ

مجله حقوق پزشکی

دوره پانزدهم، شماره پنجاه و ششم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مقاله پژوهشی

مفهوم و ماهیت فقهی، حقوقی خون و فرآورده‌های خونی

احمد امّی* 

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: از دیرباز که در دانش پزشکی، شناسایی بیماری‌ها و روش تشخیص و بهبود و چگونگی پیش‌گیری از آنها را به انسان می‌آموزد شاید هیچ موضوعی مبهم‌تر از درک خون نبوده است. خون انسان به عنوان یک ماده حیاتی که نیازهای ضروری همه بافت‌ها و اعضای بدن به وسیله آن تأمین می‌شود در مقایسه با سایر اعضای بدن دارای ویژگی‌های خاص و متمایزی است و بدین جهت مورد توجه بشر و به طور خاص مورد نظر فقها، حقوق‌دانان و نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی بوده است و نسبت به جنبه‌های حقوقی موضوع، تحلیل‌ات لازم صورت گرفته است.

یافته‌ها: با شناخت ماهیت فقهی و حقوقی این مایع حیاتی و همچنین فرآورده‌های آن می‌توان شناخت احکام دیگری از آن در زمینه مبانی و ماهیت طب انتقال خون اعم از مالیت، امکان و نحوه واگذاری خون، ارائه خدمات انتقال خون و همچنین مسئولیت‌های ناشی از آن، بالتبع، ابعاد مختلف آن به خصوص بُعد اخلاقی واگذاری خون به جهت سودآوری و در نتیجه کالانگاری آن و آثار طب انتقال خون که مورد مناقشات فقهی و حقوقی فراوان قرار گرفته تسهیل نمود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: خون و فرآورده‌های خونی، بدون ایجاد نقصان خاصی در بدن که البته صرف‌نظر از بیماری‌های نوظهور احتمالی برای دهنده خون مدنظر است جداپذیر از شخص و قابل ذخیره می‌باشد که از این حیث احکام حاکم بر مال منقول بر آن حاکم است. همچنین با عنایت به اینکه برای ترانسفوزیون خون و فرآورده‌های آن باید از وسایل مخصوص استفاده و آزمایشات خاصی صورت گیرد خون در زمره اموال قیمی قرار می‌گیرد؛ این امر مرتبط با نظم عمومی بوده و نمی‌توان در قراردادهای خصوصی همانند قراردادهای راجع به سایر اموال، ماهیت آن را مطابق اراده و تراضی طرفین، قرار داد و آن را مثلی قلمداد کرد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

واژگان کلیدی:

خون

فرآورده‌های خونی

ماهیت خون

مال مثلی

مال قیمی

مال منقول

مال غیرمنقول

* نویسنده مسؤول:

احمد امّی

آدرس پستی: تهران، ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

کد پستی: ۱۴۷۱۹-۱۷۴۴۹

تلفن: ۲۱-۷۷۷۵۲۶۱۰

پست الکترونیک:

Ahmad.ommi@yahoo.com

۱. مقدمه

مدت زمان درازی است که خون به عنوان مایع حیاتی که دارای ارزش اجتماعی و فرهنگی و مذهبی می‌باشد شناخته شده است. خانواده و خویشاوندی به طور سنتی توسط روابط خون ساختارمند گردیدند، که به نوبه خود با هر دو هویت فردی و ملی در هم تنیده بودند. خون انسان، ماده زنده‌ای است که نجات‌دهنده زندگی می‌باشد و بسیاری از بیماران در صورت دریافت خون می‌توانند سلامت خود را بازیابند. خون دارای ترکیبات و مواد منحصر به فردی است که آن را از دیگر اعضاء بدن متمایز می‌کند؛ مایع بودن و رنگ خون از جمله ویژگی‌های بارز و قابل توجه آن در مقابل سایر اعضاء است و به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد هیچ جانشینی ندارد و یک عضو و داروی غیرقابل جایگزین برای نجات حیات انسان‌ها است؛ نمی‌توان آن را به طور مصنوعی تهیه کرد و علی‌رغم تحقیقات بسیار زیادی که در این زمینه توسط محققان انجام شده است، انسان تنها منبع خون برای هموعانش است و خون مورد نیاز بیماران، توسط افراد نیکوکار اهداء شده و در اختیار سازمان انتقال خون قرار می‌گیرد. صنعتی شدن زندگی انسان‌ها و افزایش آسیب‌دیدگان ناشی از حوادث و سوانح مانند تصادفات رانندگی و سوختگی‌ها، مادران مبتلا به خونریزی‌های شدید زایمانی، بیماران سرطانی که تحت شیمی‌درمانی یا اشعه‌درمانی هستند و همچنین افزایش تعداد بیماران مبتلا به تالاسمی ماژور، نوزادان مبتلا به زردی نوزادی و نوزادان نارس و پیشرفت‌های علمی که سبب دستیابی به روش‌های درمانی جدید می‌شود، بیماران نیازمند به دریافت خون را افزایش داده و نیاز به خون را در جوامع مختلف بیش از پیش آشکار ساخته است. خون ماده‌ای است که نه تنها خودش دارای مزیت‌های درمانی فراوانی در علم پزشکی است بلکه فرآورده‌های آن نیز از اهمیت بسزایی در درمان بیماری‌ها برخوردار هستند و امروزه کاربرد دارویی دارند. پلاسما، عناصر سلولی خون که گلبول قرمز، گلبول سفید و پلاکت‌ها تشکیل‌دهنده آن هستند در زمره این فرآورده‌ها هستند و امروزه انتقال خون بیشتر نه به صورت خون کامل (Whole Blood) بلکه در قالب انتقال هر یک از این فرآورده‌ها با توجه

به نوع و ضرورت درمان صورت می‌گیرد. با وجود این، عدم وجود و رعایت دقیق و کامل مقررات و موازین مربوط به حفظ سلامت و ایمنی خون و اجتناب از تزریق خون آلوده، از یک طرف و نقش‌آفرینی عوامل گوناگون در این زمینه می‌تواند این مایه حیات را به عامل بالقوه خطرناکی در انتقال انواع بیماری‌ها و عفونت‌های ویروسی و غیره تبدیل نماید و در نتیجه موجبات صدمات و خسارات جبران‌ناپذیری را فراهم آورد. به این دلیل و همچنین به دلیل اینکه منابع این داروها را از طریق زیست‌فناوری بدست می‌آورند و یکنواختی و ایمنی مطلق این مواد نمی‌تواند تضمین شود آزمایش گسترده آن‌ها ضروری است. امروزه اهمیت انتقال خون و کارکرد آن در درمان بیماران و مجروحان نیازمند به خون و فرآورده‌های آن در علم پزشکی و حتی عامه مردم بر کسی پوشیده نیست. به ویژه آن که در چند سال اخیر با پیشرفت‌های حاصل شده درخصوص پالایش و استحصال فرآورده‌های مختلف خونی، این حوزه به‌عنوان یکی از بخش‌های استراتژیک نظام سلامت هر کشوری محسوب می‌شود.

تأمین خون و فرآورده‌های سالم، مهم‌ترین هدف انتقال خون است لیکن این عمل به ظاهر ساده که مستمراً از سوی اشخاص صورت می‌گیرد چالش‌های فقهی و حقوقی متعددی را از ابعاد مختلف به وجود آورده است که در کشور ما، متأسفانه به دلیل عدم توجه خاص علمی به ماهیت فقهی و حقوقی این ماده حیاتی و خدمات انتقال آن، تاکنون به غیر از پاره‌ای مقررات کلی، مقررات خاصی درباره روابط افراد درگیر در فرآیند انتقال خون شامل اهداءکنندگان، مصرف‌کنندگان فرآورده‌های خونی و بالأخره سازمان انتقال خون و نیز حقوق و وظایف هر یک از این اشخاص تصویب نشده است. تصویب قوانین خاص در این زمینه در راستای اصل چهارم قانون اساسی نیاز به مقدمات کافی و لازم شامل بحث و بررسی درباره برخی مسائل مهم دارد؛ از جمله این مسائل، تعریف و تعیین مبانی و ماهیت حقوقی خون و فرآورده‌های خونی از عوامل درگیر در روند انتقال خون است. شناخت ماهیت فقهی و حقوقی خون و فرآورده‌های خونی راه برون‌رفت از این چالش‌ها و تعیین‌کننده احکام مسایل دیگری مانند مبانی و

برخوردار است. در این بند مفهوم خون و فرآورده‌های خونی را از حیث فنی و پزشکی مورد بررسی تخصصی قرار داده تا با شناخت کافی از این بعد بتوان راهبرد اندیشه‌های فقهی و متعاقباً تحلیل‌های حقوقی را مورد تحلیل قرار داد.

۱-۱-۵. خون

خون بافت مایعی است که عوامل شیمیایی گوناگون و فراوانی در آن محلول هستند و میلیون‌ها سلول مختلف در آن وجود دارد (۳). در نظر برخی «خون مایع سرخ‌رنگی است که در تمام رگ‌ها جریان دارد و بدن از آن تغذیه می‌شود، طعمش اندکی شور و دارای بوی مخصوص و مرکب از گلبول‌های سرخ و سفید و پلاسما است، مقدار آن در حیوانات پستاندار یک سیزدهم وزن بدن آنهاست» (۴). مایع بودن و رنگ خون از جمله ویژگی‌های بارز و قابل توجه آن در مقابل سایر اعضا است (۵). مایعی که از طریق قلب، عروق، رگ و مویرگ‌های سیستم گردش خون به چرخش در می‌آید. خون، اکسیژن و مواد مغذی را به سلول‌های بدن حمل و مواد زائد و دی اکسید کربن را دفع می‌کند. خون متشکل از پلاسما (به طور عمده آب، با مخلوطی از هورمون‌ها، مواد مغذی، گازها، آنتی‌بادی و ضایعات)، سلول‌های قرمز خون (که حمل اکسیژن)، سلول‌های سفید خون (که در مبارزه با عفونت کمک می‌کند) و پلاکت‌ها (که به لخته شدن خون کمک می‌کند) می‌باشد (۶). در تعریف دیگری از خون آمده؛ مایع متشکل از پلاسما، سلول‌های قرمز خون، سلول‌های سفید خون و پلاکت است که توسط قلب از طریق شریان‌ها و وریدها، حمل اکسیژن و مواد مغذی به و مواد زائد را از تمام بافت‌های بدن بر عهده دارند. خون در بدن ما در خدمت سه هدف اصلی می‌باشد؛ اول اینکه یک سیستم حمل و نقل است. خون اکسیژن و مواد مغذی، هورمون‌ها و آنزیم‌ها، را منتقل و مواد زائد را دفع می‌کند. دوم اینکه، خون pH و همچنین درجه حرارت بدن را تنظیم می‌کند و نهایتاً، ترکیبات خون از ما در برابر بیماری محافظت نموده و با لخته شدن از خون‌ریزی جلوگیری می‌کند. خون یا به صورت خون کامل (Whole Blood) گرفته می‌شود یا به صورت فرآورده‌های (Component) خونی. خون کامل

ماهیت طب انتقال خون اعم از مالیت، امکان و نحوه واگذاری خون، ارائه خدمات انتقال خون و همچنین مسئولیت‌های ناشی از آن، بالتبع، ابعاد مختلف آن به خصوص بُعد اخلاقی واگذاری خون به جهت سودآوری و در نتیجه کالانگاری آن و آثار طب انتقال خون خواهد بود که در این مقاله صرفاً به ماهیت این عناصر از دیدگاه حقوقی اشاره خواهیم کرد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

با بررسی منابع موجود و تحلیل‌های حقوقی صورت گرفته، تعیین ماهیت خون و فرآورده‌های خونی نه براساس قرارداد بین اشخاص بلکه به دلیل ارتباط آن با نظم عمومی بر اساس عرف پزشکی و قانون خواهد بود.

۵. بحث

۱-۵. مفهوم خون و فرآورده‌های خونی

در این قسمت مفاهیم خون و فرآورده‌های خونی را را ابتدا از دیدگاه پزشکی و سپس در آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۱-۵. مفهوم «خون» و فرآورده‌های خونی از دیدگاه

پزشکی

مدت مدیدی است که خون به عنوان مایع حیاتی شناخته (۱) و خانواده و خویشاوندی به طور سنتی توسط روابط خون ساختارمند گردیده، که به نوبه خود با هر دو هویت فردی و ملی در هم تنیده بودند (۲). از این جهت شناخت این مایع حیاتی و فرآورده‌های حاصل از آن امروزه از اهمیت بالایی

فرآورده‌ای است که در آن تمام گلبول‌های قرمز و قسمت عمده پلاسمای واحد اولیه باقی می‌ماند. کاربرد اصلی خون کامل جایگزینی حجم در موارد تروما یا ضربه است. انتقال خون کامل امروزه به ندرت صورت می‌گیرد (۷).

۵-۱-۱-۲. فرآورده‌های خون

خون دارای فرآورده‌هایی است؛ که به محصول گرفته شده از فرآورده اصلی (خون کامل) گفته می‌شود. امروزه استفاده از فرآورده‌های خون در مقایسه با استفاده خون بسیار بیشتر بوده و عمومی شده است (۸) و باید این امر آگاه‌سازی شود (۹). یک واحد از خون اهداء شده از طریق جدایی و حفاظت از اجزاء خون، فواید متعددی می‌تواند داشته باشد. هر جزء دارای ضرورت‌های مختلف ذخیره‌سازی و عمر مفید خاص خود می‌باشد (۱۰). پس از جمع‌آوری خون، آن را از طریق پلاسمافریزیس (Plasmapheresis) می‌چرخانند (Spun off) و آن را برای اهداف مختلف استفاده می‌کنند (۱۱). استفاده از اجزاء خون به جای خون، به عنوان روش استاندارد پذیرفته شده و برای ترویج استفاده بهینه از منابع کمیاب می‌باشد. در این زمینه نیز مطالعات کمی ارزیابی مزایای درمان با مشتقات خون در مقایسه با درمان از طریق خون کامل صورت گرفته است (۱۲). فرآورده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: فرآورده‌های سلولی و پلاسمایی. قسمت سلولی که شامل سه نوع سلول می‌باشد و عبارتند از گلبول‌های قرمز، گلبول‌های سفید و پلاکت‌ها که روی هم رفته در حدود ۴۵٪ حجم خون را تشکیل می‌دهد قسمت مایع که پلاسما نامیده می‌شود و شامل آب، املاح، مواد آلی، هورمون‌ها، عوامل انعقادی و غیره می‌باشد این قسمت حدود ۵۵٪ حجم خون را تشکیل می‌دهد. در بحث بعد به تعریف این فرآورده‌ها می‌پردازیم؛

۵-۱-۱-۲-۱. پلاسما

پلاسما؛ بخش مهمی از خون است، که می‌تواند برای روش‌های پزشکی و درمانی مورد استفاده قرار گیرد خواه با اهداء پلاسما یا به عنوان بخشی از اهداء خون به طور منظم. پیشرفت‌های

علمی و تکنولوژیکی به تولید صنعتی محصولات دارویی مشتقات پلاسما منجر می‌شود؛ پلاسما مایع سیال آبکی بی‌رنگ از خون و غدد لنفاوی است که عمدتاً متشکل از آب و پروتئین بوده، حدود نیمی از حجم خون را تشکیل می‌دهد؛ سلول‌های خون را نگه می‌دارد و حاوی هیچ سلولی نمی‌باشد و برخلاف سرم، منعقد نمی‌شود اما سلول‌های خون (گلبول‌های قرمز، لکوسیت و ترومبوسیت) در آن به حالت معلق وجود دارند. پلاسمای خون شامل پروتئین‌ها و آنتی‌بادی‌هایی است که از اهداءکنندگان برای ساخت انواع داروهای مربوط به خون گرفته می‌شود. در تعریف دیگری آن را مایع پروتئینی زرد یا خاکستری مایل به زرد خون می‌دانند که سلول‌های خونی و پلاکت‌ها در آن به طور معمول به حالت معلق قرار دارند (۱۳). از پلاسمای انسانی در مراکز پالایش‌کننده پلاسما داروهای درمانی بسیار مؤثر و ارزشمندی مشتق می‌شود و فرآورده‌های پلاسما قسمت عمده‌ای از داروهای مورد مصرف را تشکیل می‌دهند. از طریق یک فرایند درمانی که به عنوان درمان شکنش شناخته شده، پروتئین‌های پلاسما به کسری بیشتر یا کمتر از پروتئین‌های تصفیه شده با خواص متفاوت تفکیک می‌شوند. محصولات پلاسما اغلب نیاز به هزاران اهداءکننده به منظور تولید یک دسته واحد دارند (۱۴). این امر به نوبه خود تسهیل توسعه بازار جهانی خون را در چنین محصولاتی در پی دارد (۱۵). پر مصرف‌ترین‌ها عبارتند از: فاکتور انعقادی VIII برای درمان مبتلایان به هموفیلی A، فاکتور انعقادی IX برای درمان مبتلایان به هموفیلی B، آلبومین، ایمونوگلوبولین‌های گوناگون مانند ضد کزاز، ضد هاری، ضد هیپاتیت B و ایمونوگلوبولین ضد Rh.

ترکیبات عمده پلاسما را ۹۰٪ آب و ۷٪ پروتئین و کلوئید (میزان پروتئین پلاسما ۱۹۰ گرم) و ۲-۳٪ هورمون‌ها و ویتامین‌ها تشکیل می‌دهد. جهت استفاده از پلاسما ملزم به جدا کردن آن می‌باشیم که برای نیل به این هدف از روش پلاسما فریزیس (Plasmapheresis) استفاده می‌کنیم. پلاسما فریزیس از کلمه Apheresis به معنی جداسازی مشتق می‌شود. فریزیس (Pheresis) واژه‌ای یونانی و به معنای بیرون آوردن و جداسازی تحت اثر نیرو است و پلاسمافریزیس روندی

که به خون رنگ قرمز می‌دهد و آن را قادر به حمل اکسیژن از ریه‌ها و انتقال آن به تمام بافت‌های بدن می‌کند. اکسیژن توسط سلول‌ها جهت تولید انرژی که بدن به آن نیاز دارد و توسط آن دی اکسید کربن به عنوان یک محصول زائد از بدن دفع می‌شود. هنگامی که تعداد سلول‌های قرمز خون بسیار پایین است (کم خونی)، خون اکسیژن کمتری را انتقال می‌دهد و خستگی و ضعف زیاد می‌شود. هنگامی که تعداد سلول‌های قرمز خون بیش از حد بالا (پلی سیتی) است، خون می‌تواند بیش از حد غلیظ شود، که ممکن است باعث لخته شدن بیشتر خون شده و به راحتی خطر ابتلا به حملات قلبی و سکته مغزی را افزایش دهد. سلول‌های قرمز خون می‌توانند بیش از ۴۲ روز در یخچال و بیش از ۵ روز در دمای معمولی اتاق نگهداری شود (۱۰).

۴-۲-۱-۱-۵. گلبول‌های سفید خون

سلول‌های سفید خون (که لکوسیت نیز نامیده می‌شود) در تعداد از سلول‌های قرمز خون کمتر است (با یک نسبت حدوداً ۱ سلول سفید خون در مقابل هر ۶۰۰ تا ۷۰۰ سلول قرمز خون). سلول‌های سفید خون مسئول درجه اول دفاع از بدن در مقابل عفونت هستند. پنج نوع اصلی سلول سفید خون وجود دارد: نوتروفیل‌ها، لنفوسیت‌ها، مونوسیت‌ها، ائوزینوفیل‌ها، بازوفیل‌ها. هنگامی که سلول‌های سفید خون به یک عفونت و یا مشکل دیگر برسد، موادی را آزاد می‌کنند تا سلول‌های سفید بیشتری را جذب کنند. سلول‌های سفید خون مانند یک ارتش، در سراسر بدن پراکنده و آماده‌اند در یک لحظه به جمع‌آوری و مبارزه با یک ارگانیسم مهاجم عمل کنند. هنگامی که تعداد سلول‌های سفید خون بسیار پایین (لکوپنی) است، به احتمال زیاد عفونت رخ می‌دهد و اگر تعداد آنها از حد نرمال بیشتر شود (لکوسیتوز) ممکن است به طور مستقیم باعث بروز علائم نشود، اما می‌تواند نشانه‌ای از یک بیماری مانند یک عفونت و یا سرطان خون باشد.

اتوماتیک برای خارج کردن پلاسما و بازگردان بقایای سلولی خون به فرد است. آفرزیس مانند فلبوتومی جهت درمان بیماران استفاده می‌شد ولی بعداً جهت جمع‌آوری اجزاء خونی جهت انتقال خون کاربردهای بیشتری پیدا نمود.

لازم به ذکر است که کل فرایند پلاسمافرزیس در یک سیستم بسته و در شرایط استریل انجام می‌شود و حدود یک ساعت طول می‌کشد. تمامی سوزن‌ها، کیسه‌ها، لوله‌های رابط و کیت مصرفی در پلاسمافرزیس، استریل و یک بار مصرف برای هر اهداءکننده هستند و خون در هیچ مرحله‌ای با دستگاه تماس ندارد، بنابراین انتقال عفونت از طریق دستگاه ویژه پلاسما فرزیس به اهداءکنندگان غیرممکن است (۱۶). در این روش عمل جداسازی پلاسما از خون فرد اهداءکننده پس از ورود به یک دستگاه تمام خودکار، از طریق یک سوزن ورودی صورت می‌گیرد و مابقی املاح خون به همراه محلول نرمال سالین که مانع غلظت خون شده دوباره از همان طریق به بدن بازگردانده می‌شود.

۲-۲-۱-۱-۵. سرم

اگر خون از سیستم چرخشی خارج شود، لخته می‌شود. این لخته حاوی عناصر سلولی و مایع روشن زردی به نام سرم است که از ماده منعقد (لخته) جدا می‌شود (۱۷). سرم بخشی از خون است که در ترکیب با پلاسما مشابه است اما مانع عوامل لخته شدن خون است. فیبرینوژن یک پروتئین غیرفعال است که در انعقاد خون نقش دارد. پلاسما به عنوان رسانه خون است که از فاکتورهای سرم و انعقادی تشکیل شده است و در آن گلبول‌های قرمز (RBC)؛ سلول‌های سفید خون (WBC) و دیگر اجزای خون به حالت معلق قرار گرفته‌اند. جدا کردن سرم در مقایسه با پلاسما دشوار به نظر می‌رسد (۱۸).

۳-۲-۱-۱-۵. سلول‌های قرمز خون

سلول‌های قرمز خون (گلبول‌های قرمز نیز نامیده می‌شود) در حدود ۴۰ درصد از حجم خون را تشکیل می‌دهند. سلول‌های قرمز خون حاوی هموگلوبین است، هموگلوبین پروتئینی است

۵-۲-۱-۱-۵. پلاکت‌ها

پلاکت‌ها (ترومبوسیت نیز نامیده می‌شوند) ذرات سلول مانند که کوچکتر از سلول‌های قرمز یا سفید خون هستند. پلاکت‌ها در تعداد از سلول‌های قرمز خون کمتر هستند (به نسبت حدوداً ۱ پلاکت به ازای هر ۲۰ سلول قرمز خون). پلاکت‌ها در فرآیند لخته شدن خون با جمع شدن در محل خونریزی و تجمع با تشکیل یک پلاگین که به مهر و موم رگ خونی کمک می‌کند شرکت دارند. در همان زمان، آنها موادی را که به ترویج لخته شدن بیشتر کمک می‌کند را آزاد می‌کنند. هنگامی که تعداد پلاکت خیلی کم (ترومبوسیتوپنی) است، احتمال کبودی و خونریزی غیرطبیعی بیشتر می‌شود و هنگامی که تعداد آنها بیش از حد زیاد (ترومبوسیتوزی) شود، خون ممکن است بیش از حد لخته شده و باعث سکنه مغزی یا حمله قلبی گردد.

۵-۲-۱-۲. مفهوم «خون» و فرآورده‌های خونی در قرآن و روایات

فرآورده‌های خونی به دلیل ناشناخته بودن این عناصر در زمان‌های گذشته در آیات و روایات مورد اشاره قرار نگرفته است لیکن لفظ «خون» در قرآن و روایات به کرات به کار رفته است. اما معانی خون در عبارات ناظر بر معنای لغوی خود یعنی عنصر خون و اصلاً بحث بر ماهیت آن نبوده بلکه در معانی دیگر به کار رفته است. توجه به خود عنصر خون در احکام نیز ناظر بر ماهیت آن نیست و هر چند به خون به عنوان یک مایع جاری در رگ‌های بدن انسان اشاره دارد ولی تنها به بیان حکم آن پرداخته است. در اینجا به معانی خون در آیات و روایات اشاره خواهیم کرد:

در زبان عربی، خون به معنای «دم» است که جمع آن «دماء» و اصل آن «دمی» یا «دمو» بوده که میم ساکن شده، اعلال صورت گرفته، در نتیجه حرف «یا» حذف شده و تبدیل به «دم» می‌شود. در معنای آن گفته شده «مایع قرمز رنگی است که در رگ حیوان جریان دارد» البته منظور از «حیوان» هر موجود زنده را گویند. برای خون اصطلاح خاص شرعی یا فقهی وجود ندارد و در حوزه فقه احکام خوردن خون و

طهارت و نجاست آن و همچنین خرید و فروش و ثمن حاصل از آن مورد بحث قرار گرفته است (۱۹).

در برخی آیات قرآنی «دماء» را در معنای خونریزی آورده است (بقره: ۳۰ و ۸۴). همچنین حرمت آن نیز در قرآن آمده که منظور حرمت اکل آن است. در آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنِزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۱۷۳) و نیز در آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنِزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ..» (نحل: ۱۱۵ و مائده: ۳) به آن اشاره دارد.

در برخی دیگر از آیات قرآن مجید بدون پرداختن به ماهیت خون تنها به عنوان یک ماده به آن اشاره نموده که در آیات «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ الْجَرَادَ وَ الْقُمَّلَ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدَّمَ» آیات مَفْصَلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (اعراف: ۱۳۳) و «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَ لَا دِمَاؤُهَا وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ» (حج: ۳۷) به آن پرداخته شده است.

در بسیاری از روایات و به تبع آن آراء فقها و قواعد فقهی، خون در معنای «نفس» و «جان انسان» بکار رفته است (۲۰). قاعده بسیار مهم فقهی «دم المسلم لایذهب هدرًا» (۲۱، ۲۲) یا «لایحل دم امرء مسلم و لا ماله إلّا بطبیئة نفس منه» (۲۳، ۲۴) یا «قاعده ارزش خون انسان» (۲۵) اشعار بر این مهم دارد. به موجب این قاعده، که اهمیت دماء از ناحیه حکم وضعی را بیان می‌نماید حکم می‌کند در مواردی که قاتل معلوم نیست دیه ساقط نمی‌گردد. زیرا خون مسلمان باطل و هدر نخواهد بود و در صورتی که طریقی بر تشخیص قاتل نباشد دیه باقی می‌ماند و دیه از بیت‌المال به ورثه مقتول پرداخت می‌شود (۲۶). لذا منظور از «دم» همان «نفس» یک مسلم معصومه متکافئه است. در روایتی از امام صادق (ع) در خصوص مردی که در بین جمعی و با آن‌ها نشسته بود و فوت نمود در حالی که با آن‌ها بود و همچنین در مورد فردی که در قبیله‌ای فوت شده پیدا گشت فرمودند: «نه بر عهده آن قبیله چیزی است و نه خون این فرد باطل می‌شود» (۲۷). منظور از اینکه «بر آن قبیله چیزی نیست» در معنای مجازات است و منظور از باطل نشدن خون آن مرد، باقی بودن دیه است. در روایتی دیگر از مولا علی (ع) در مورد فردی که قاتل او معلوم

خون در معنای نفس در این معانی به کار می‌رود و انسان مالک بر خون خود در این معنا به معنای مالکیت انسان بر نفس خود است و هر نوع آسیب بر نفس انسان باعث می‌شود که انسان یا اولیاء دم وی بر ضارب یا متجاوز سلطه پیدا کند. این سلطه به موجب آیه «...وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا...» (اسراء: ۳۳) هم قانونی و هم شرعی است. وجود نهادهایی مانند قصاص، دیه و ارش و محکومیت جانی به این مجازات‌ها از همین جهت می‌باشد.

در فقه نیز فقهای ما عمدتاً اطراف همین موارد مصرحه در قرآن بحث نمودند و ورود به احکام مستحدثه طرح شده در زمینه خون به صورت گسترده صورت نگرفته است. همانطور که قبلاً گفتیم برای خون اصطلاح خاص شرعی یا فقهی وجود ندارد و در حوزه فقه، احکام خوردن خون و طهارت و نجاست آن و همچنین خرید و فروش و ثمن حاصل از آن مورد بحث قرار گرفته است.

۲-۵. ماهیت خون و فرآورده‌های خونی

ماهیت خون و فرآورده‌های خونی را در تعیین منقول بودن یا غیرمنقول بودن و همچنین عینی یا مثلی بودن آن مشخص می‌کنیم زیرا بر هر کدام از این موارد احکام خاصی مترتب می‌شود. در تقسیم‌بندی‌های مختلفی که در قانون مدنی برای اموال وجود دارد این دو تقسیم‌بندی مهم بسیار منشأ اثر می‌باشد. اموال مثلی و قیمی در ماده ۹۵۰ قانون مدنی؛ اموال منقول و غیرمنقول در مواد ۱۱ تا ۲۲ قانون مدنی، بحث شده که ما در این مبحث قصد داریم ببینیم این عنصر حیاتی در کدام دسته از اموال قرار می‌گیرد و مشمول آثار کدام اموال خواهد شد.

۲-۵-۱. منقول یا غیرمنقول

یکی از انواع تقسیمات مال، تقسیم‌بندی مال از حیث منقول یا غیرمنقول بودن آن است که در حقوق ما بسیار حائز اهمیت است و آثار زیادی دارد؛ بعضی از مهم‌ترین این آثار عبارتند از اینکه؛ نحوه نقل و انتقال آنها متفاوت است، طبق مواد ۲۲ و ۴۶ قانون ثبت، در مال غیرمنقول باید نقل و انتقال با سند

نیست روایت شده که فرمودند: «إن كان عرف له أولياء يطلبون دية أعطوا دية من بيت مال المسلمين ولا يبطل دم امرئ مسلم» (۲۷) در اینجا نیز منظور از «دم» همان «نفس» است. اینکه گفته‌اند «حرمت خون مؤمن بالاتر از حرمت ماه حرام و یا بلد الحرام است» و «اولین چیزی که خداوند در روز قیامت به آن حکم می‌کند خون‌های ریخته شده می‌باشد» (۲۸) دال بر اهمیت «نفس مسلمان» است. یا در قول «ذهب دمه هدر» (۲۹) معنای «هدر بودن خون» این است که اگر کسی او را کشت قصاص و دیه بر قاتل نخواهد بود. همچنین در دفاع مشروع نظر فقها بر این است که «دم المدفوع هدر» (۳۰، ۳۱) یعنی شخص متجاوز (کسی که مورد دفاع قرار گرفته)، اگر در حال دفاع صورت گرفته از طرف مقابل، ضرب و جرحی بر او وارد شود یا بمیرد خونش هدر است. از موارد دیگر معنای «دم» به معنای «نفس» در فقه، می‌توان به مصادیق حبس در اسلام اشاره نمود. یکی از این موارد در بیان فقها «الحبس فی تهمه الدم» می‌باشد یعنی یکی از مصادیق حبس این است که شخصی در معرض اتهام به قتل قرار گیرد (۳۲). در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که فرمودند «إن النبی (ص) کان یحبس فی تهمه الدم سته ایام، فإن جاء أولیاء المقتول ببینه، و آلاً خلی سبيله» (۳۳) پس منظور از «دم» در این عبارات و بسیاری از موارد مشابه (۳۴-۳۸) همان «نفس» است. «نفس» همان روحی است که هستی و حیات جسد به آن وابسته است. «النفس؛ الروح الذی به حیاة الجسد و کل انسان نفس حتی آدم (ع) الذکر و الانثی سواء و کل شیء بعینه نفس و رجل له نفس ای خلق و حلاوة و سخا...» (۳۹).

«نفس به فتح حرف اول و سکون حرف دوم از دیدگاه اهل لغت یک کلمه مذکر محسوب می‌شود و اگر نفس به معنای شخص باشد و کلمه مذکور، مؤنث محسوب می‌گردد اگر مراد از آن روح باشد یعنی ذات شیء و حقیقت و عین آن و نفس به معنای دوم در مورد خداوند نیز اطلاق می‌گردد» (۴۰). پس در مورد انسانی که مالک بر نفس خویش باشد، کلمه نفس بر او اطلاق می‌گردد چنان که در روایتی از امام صادق (ع) چنین وارد است «من ملک نفسه اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهى و اذا غضب و اذا رضی، حرم الله جسده علی النار» (۴۱-۴۳).

رسمی انجام گیرد؛ یا به موجب ماده ۸۰۸ قانون مدنی، حق شفعه به اموال غیرمنقول اختصاص دارد. تفاوت بعدی آثار آن دو در مواد ۷۳۷ و ۷۳۸ قانون مدنی آمده است. بحث بعدی در خصوص صلاحیت دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعاوی اموال منقول و غیرمنقول است، برای رسیدگی به دعاوی راجعه به غیرمنقول، طبق مواد ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاهی صالح است که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع شده است. موضوع دیگر اینکه به موجب مواد ۹۴۶ تا ۹۴۸ قانون مدنی، زن از اموال منقول به طور کلی ارث می‌برد، ولی در مورد اموال غیرمنقول سهم او بسیار محدود است (۴۴). تقسیم مال به منقول و غیرمنقول آثار و تبعات دیگری نیز دارد که از موضوع بحث خارج است و همین مقدار برای احراز اهمیت و فایده این تقسیم کفایت می‌کند. از طرفی اکثر مقررات دولتی حاکم بر طبقه‌بندی اشیاء به منقول و غیرمنقول مربوط به قواعد نظم عمومی هستند و توافق برخلاف آن ممنوع می‌باشد (۴۵). خون به عنوان عنصر یا شیئی دارای مالیت، از این قاعده مستثنی نیست. تعیین منقول یا غیرمنقول بودن «خون» انسان، احکام حقوقی حاکم بر آن را از این حیث متفاوت خواهد نمود. برای تحلیل این موضوع لازم است ابتدا به مهمترین تعاریف از اموال منقول و غیرمنقول اشاره کنیم؛

اموال منقول در اصطلاح حقوقی و به موجب ماده ۱۹ قانون مدنی، به اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید، گفته می‌شود. در ماده ۹۴۸ قانون مدنی یونان، اشیاء به دو دسته منقول و غیرمنقول تقسیم شده‌اند. منقول به هر چیزی که غیرمنقول نیست گفته می‌شود. در ماده ۹۸ لایحه قانون مدنی چین نیز، مال منقول را همین‌گونه تعریف نموده است (۴۶). اموال منقول مادی به عنوان یکی از شقوق مال منقول، کلیه اشیاء مادی خارجی است که قابلیت نقل و انتقال را از محلی به محل دیگر دارد. اموال منقول ممکن است به طور مصنوعی صفت غیرمنقولی را کسب کند و چنان در بنا یا زمین به کار رود که تغییر آن جز با خرابی محل یا عین مال ممکن نباشد ولی این وضع نمی‌تواند وصف ذاتی آن اموال را از بین ببرد پس همین که رابطه آنها با زمین یا بنا قطع گردد در شمار

اموال منقول قرار می‌گیرد (۴۴). ماده ۲۲ قانون مدنی در این خصوص بیان داشته «مصالح بنایی از قبیل سنگ و آجر و غیره، که برای بنایی تهیه شده یا به واسطه خرابی از بنا جدا شده باشد مادامی که در بنا به کار نرفته، داخل منقول است». کلیه دیون، از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره، از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است، حتی اگر مبیع یا عین مستأجره از اموال غیر منقول باشد (۴۷). از ماده ۱۸ قانون مدنی می‌توان نتیجه گرفت که دعاوی و حقوق عینی مربوط به اموال منقول از حیث صلاحیت محاکم تابع آن است (۴۴). بنابراین اگر لازم باشد که این حقوق نیز به منقول و غیرمنقول تقسیم شود به جای توجه به ماهیت حقوقی آن باید موضوع حق را در نظر گرفت. بر اساس ماده ۹۴۹ قانون مدنی یونان، زمانی که حقوق و قوانین قضایی به اموال منقول اشاره دارد و آن را از اموال غیرمنقول منفک و متمایز می‌نماید تکالیف مربوط به اموال منقول بر آن بار می‌شود.

اموال غیرمنقول در ماده ۱۲ قانون مدنی تعریف شده و به مالی که از جایی به جایی قابل انتقال نباشد، گفته می‌شود، مانند زمین و معدن، گفته می‌شود. به موجب ماده ۹۴۸ قانون مدنی یونان، غیرمنقول، زمین و اجزاء تشکیل‌دهنده آن می‌باشند. طبق ماده ۹۷ لایحه قانون مدنی چین در تعریف اموال غیرمنقول، مقرر داشته «اموال غیرمنقول به هر چیزی که به موجب طبیعت و ماهیت خود یا به موجب قانون منقول نیست می‌گویند که شامل زمین و هر چیز چسبیده به آن و هر منفعت ماهوی و طبیعی ناشی از آن که از زمین جدا نمی‌شود و ... می‌شود».

پس ضابطه اصلی در تشخیص مال غیرمنقول و منقول، قابلیت و امکان حمل و نقل است. به این ترتیب که هرگاه مالی قابل حرکت دادن باشد، بی‌آنکه برای عین یا محل آن خرابی به بار آید، مال را منقول می‌نامند. برعکس، اگر مالی قابل نقل مکان نباشد، یا اگر در عمل نیز نقل آن ممکن شود، این تغییر موجب ویرانی و خرابی عین یا محل آن گردد، آن را غیرمنقول می‌گویند. با وجود این، گاهی در اصطلاح قانون مدنی، غیر نقول به اموال قابل حمل و حتی حقوق مالی و منافع نیز گفته

می‌شود. البته این تجاوز از قاعده استثنایی و محدود به مواردی است که، قانونگذار بنا به مصالحی، اموال قابل حمل را به صراحت در حکم اموال غیرمنقول قرار داده و آن را محکوم به احکام و مقررات مال غیرمنقول شناخته باشد (۴۸، ۴۹). با ملاحظه مواد ۱۲ تا ۱۸ قانون مدنی، می‌توان اموال غیرمنقول را به چهار گروه تقسیم کرد: اول؛ اموال ذاتاً غیرمنقول (غیرمنقول ذاتی). دوم؛ اموالی که در اثر عمل انسان غیرمنقول شده است. (غیرمنقول عرضی) در مواد ۱۵ و ۱۶ قانون مدنی نیز مواردی را در ادامه موارد ۱۳ و ۱۴ نام برده که در شمار این گروه قرار می‌گیرد (۴۴). سوم؛ اموالی که قانونگذار آن را از پاره‌ای جهات در حکم غیرمنقول قرار داده است (غیرمنقول حکمی). چهارم؛ غیرمنقول تبعی یا حقوق مالی و دعاوی که موضوع آن غیرمنقول است و از این لحاظ تابع اموال غیرمنقول محسوب می‌شود. طبقه‌بندی اموال به منقول و غیرمنقول ناظر به اموال مادی خارجی است و حقوق مالی را نباید در ردیف اشیاء در این تقسیم آورد (۵۰). اجزاء تشکیل‌دهنده یک مال غیرمنقول می‌تواند منقول و غیرمنقول باشد. اجزاء تشکیل‌دهنده مال منقول فقط می‌تواند منقول باشد (۴۵).

با عنایت به این مطالب در خصوص مال منقول و غیرمنقول، مطلع بحث منقول یا غیرمنقول بودن خون را با این مطلب آغاز می‌کنیم که ابتدا باید این خون، مال محسوب شود و سپس منقول یا غیرمنقول بودن آن را بررسی نمود. خونی که در رگ انسان جریان دارد به دلیل عدم مالیت و قابل استفاده نبودن برای شخصی جز شخص صاحب خون، سالبه به انتفاء موضوع است؛ تنها موضوع مهم با این فرض، محترم بودن تمامیت جسمی انسان است که کسی حق تعرض غیرقانونی به آن را ندارد و در صورت تجاوز و تعدی به آن، مشمول قصاص یا دیه خواهد شد و شاید به لحاظ حفظ تمامیت جسمی انسان، این امر قابل توجه باشد اما مالیت خون این انسان به عنوان اینکه موضوع معامله خاصی قرار گیرد در اینجا منتفی است؛ بنابراین طرح بحث در مورد خون سالمی است که در چارچوب نظامات پزشکی و به صورت قابل استفاده در زمینه‌های درمانی در قالب خاص و در دمای معین و مکان

مخصوص نگهداری می‌شود. آیا این خون منقول است یا غیرمنقول؟

در ابتدا اعضاء بدن انسان و خون را نیز به عنوان یکی از اعضاء انسانی این‌گونه در نظر می‌گیریم که در داخل جسم انسان به کار رفته است با این فرض می‌توان منقول یا غیرمنقول بودن آنها را نسبت به حالت آنها در صورت جدا نمودن از بدن در نظر گرفت؛ قطعاً برخی از اعضاء مانند کلیه یا دست و پا اگر از بدن انسان جدا گردند باعث ایجاد نقصان در بدن انسان می‌شوند برخی از اعضاء مانند قرنیه یا قلب، جز با مرگ شخص قابل انتقال و پیوند به دیگران نیست. شاید این‌گونه به ذهن متبادر شود که چون اعضاء بدن به بدن انسان اتصال دارند و با جدا شدن از آن، باعث نقصان در بدن می‌شوند غیرمنقول محسوب می‌گردند. در دستورالعمل ۲۵ ژولای ۱۹۸۵ شورای اروپا در خصوص مسئولیت ناشی از تولیدات، مقرر داشته بدن انسان نمی‌تواند به عنوان مال منقول در نظر گرفته شود. اندام بدن نیز تا زمانی که به بدن متصل هستند همین حکم را دارند (۵۱). این قول نمی‌تواند صحیح باشد زیرا خرابی عین یا محل آن در اثر جابجایی، به عنوان شرط غیرمنقول بودن مال، در اینجا صادق است ولی عضو بدن انسان تا زمانی که در بدن است مال نیست و از طرفی انسان، مال محسوب نمی‌شود که اعضاء بدن وی را تا زمانی که متصل به بدن هستند بتوان نسبت با آن سنجید و آن را غیرمنقول نامید؛ به این دلیل است که برخی به دلیل جوهره خاص جسم انسان و به دلیل حکم عقل و شرع نه تنها انسان زنده بلکه میت و جسد وی را فاقد مالیت می‌دانند و رفتار با اعضاء بدن انسان مانند سایر اشیاء و اموال را خلاف کرامت نفس انسانی می‌دانند (۵۲) از طرفی این قضیه در خصوص خون به نحو ویژه‌ای متفاوت است و این امر ناشی از خصیصه و ویژگی‌های خاص خون است. زیرا خون بدون ایجاد نقصان خاصی که البته صرف‌نظر از بیماری‌های نوظهور احتمالی برای دهنده خون مدنظر است قابل جدا کردن از شخص و ذخیره می‌باشد. پس غیرمنقول بودن خون به طریق اولی منتفی خواهد بود. همچنین فرض این اعضاء برای بعد از جدایی از بدن در زمان اتصال آنها به بدن، به دلیل عدم مالیت، مانع منقول بودن آن

۲-۵. قیمی یا مثلی

عنوان مثلی و قیمی از مباحث بسیار مهم در فقه، حقوق و اقتصاد اسلامی می‌باشد. فایده تقسیم مال به قیمی و مثلی، تلاش برای بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده، حتی‌الامکان به حالت ماقبل ورود خسارت است. طرز جبران خسارت باید متناسب با ماهیت مال تلف شده باشد، و در برابر تلف شدن مال مثلی باید مثل آن داده شود. در نتیجه برای تشخیص موضوع مسئولیت در این‌گونه موارد، شناسایی اموال مثلی و قیمی مفید و ضروری است (۴۸). قانون مدنی در موارد عدیده‌ای مخصوصاً در مبحث غصب و تسبیب و اتلاف کلمه مثلی و قیمی را استعمال کرده است و به این جهت در ماده ۹۵۰ این دو اصطلاح را تعریف نموده و بیان داشته است: «مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظائر آن نوعاً زیاد و شایع باشد، مانند حبوبات و نحو آن و قیمی مقابل آن است و مع‌ذلک تشخیص این معنی با عرف می‌باشد» به این جهت تحلیل مثلی یا قیمی بودن خون به عنوان یک عنصر دارای مالیت ضروری می‌باشد (۵۶).

در تعریف اموال مثلی و قیمی مانند تعریف مال بین حقوق‌دانان و فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی حقوق‌دانان مال مثلی را این‌گونه تعریف می‌کنند که دو چیز مثل یکدیگر است که از حیث قیمت و اوصاف و اعراض مانند هم باشد به گونه‌ای که در مقام وفای به عهد، هر یک را بتوان به جای دیگری به طلبکار تسلیم نمود. لزومی ندارد که همه اوصاف آن دو مثل، مانند هم باشد؛ کافی است اوصاف و ویژگی‌هایی که جلب رغبت می‌کند و مبنای تعیین قیمت قرار می‌گیرد در دید عرف یکسان باشد. در دیدگاه برخی دیگر از حقوق‌دانان (۴۷) با توجه به عرف، عناصر سازنده اموال مثلی عبارتند از:

- ۱- عنوان واحدی به جزء و کل آن اطلاق شود، مانند گندم که دانه و خرمن آن، عنوان واحد دارد.
- ۲- قیمت اجزاء آن به علت تساوی یا تقارب صفات آنها یکسان و یا متقارب باشد.
- ۳- منافع اجزاء آن متقارب باشد به طوری که اختلاف قیمت در عرف قابل مسامحه باشد.
- ۴- اشباه و نظایر آن زیاد باشد.

خواهد بود. اما در صورتی که اعضاء بدن به صورت قابل کاربرد در زمینه‌های درمانی، جدا و در بانک‌های مخصوص به نگهداری اعضاء نگهداری گردند و یا خون سالمی که بعد از طی پروسه و منطبق با نظامات مرتبط با طب انتقال خون گرفته شده و در بانک انتقال خون نگهداری می‌شود مالیت داشته و موضوع در خصوص آنها از حیث منقول و غیرمنقول بودن قابل بررسی است. طبق دستورالعمل اخیرالذکر شورای اروپا، زمانی که اندام از بدن انسان جدا می‌شوند و در بانک اعضاء انسان یا خون در بانک خون نگهداری می‌شوند در زمره تعریف مقرر از «محصول» در ماده مذکور قرار می‌گیرد. در ماده ۲ این دستورالعمل، در تعریف اصطلاح «محصول» و ذکر مواردی که مشمول اصطلاح «محصول» می‌شود آن را در معنای گسترده‌ای تعریف نموده و ضمن اینکه کلیه اموال منقول را در زمره آن قرار می‌دهد خون انسان و اعضاء بدن را در ردیف چارچوب پنجره، آجر ساختمان و مواد و اموال منقولی قرار داده که در یک شیئی غیرمنقول به کار رفته است (۵۵-۵۳). علی‌رغم اینکه منقول بودن خون و یا سایر اعضاء بدن با این اوصاف پذیرفته است و در موارد تردید، اصل قابلیت نقل و انتقال را از عمومات ادله می‌توان استناد کرد؛ ولی نمی‌توان قسمت اخیر ماده ۲ مذکور و تشبیه خون و اعضاء بدن به چارچوب پنجره یا آجر ساختمان و موادی که ذاتاً قابلیت نقل از محلی به محل دیگر را دارد و به جهت اینکه در زمین یا بنا به کار رفته در شمار اموال غیرمنقول قرار می‌گیرد و غیرمنقول عرضی محسوب می‌شود را درست دانست. زیرا اولاً؛ کلیت انسان مال محسوب نمی‌شود و ثانیاً؛ این اعضاء جدای از بدن نبودند که بعداً در آن به کار رفته باشند بلکه از ابتدای تولد انسان در ساختمان بدن وی با دیگر اعضاء، یک کلی به نام انسان را تشکیل می‌دهد و نمی‌توان اعضاء را جدای از کل بدن انسان فرض نمود. با این اوصاف باید گفت که خون انسان یک مال منقول محسوب می‌شود و احکام حاکم بر مال منقول بر آن حاکم است.

در تمام موارد بالا فرقی بین امور مصنوعی و طبیعی نیست. هر گاه یکی از عناصر بالا وجود پیدا نکند آن چیز قیمی خواهد بود.

در ماده ۹۰ قانون مدنی آلمان در تعریف مال مثلی مقرر داشته «اموال مثلی، در مفهوم حقوقی، هر شیئی منقولی است که در عرف تجارت با تعداد، اندازه‌گیری یا وزن قابل تعیین باشد».

در تعریف مال قیمی این‌گونه گفته‌اند مالی است که در عرف شخص آن منظور باشد و نتوان مال دیگری را جای آن قرار داد. اصطلاح قیمی، بدین اعتبار است که در صورت تلف مال باید قیمت آن پرداخته شود (۵۷). اما علی‌رغم این تعاریف باید گفت که برای تعیین مثلی یا قیمی بودن مال، همیشه از یک ضابطه نمی‌توان استفاده کرد و باید موردی را که دین ناشی از قرارداد و تعهد است با ضمان قهری و الزامات خارج از قرارداد جدا کرد. لذا در مورد الزامات خارج از قرارداد، چون درباره موضوع الزام توافقی بین طلبکار و مدیون نشده است، باید مثلی و قیمی از حیث نوعی و موضوعی مورد توجه قرار گیرد (۴۸). البته در قراردادهای تعهدات اگر امری که طرفین با تراضی مقرر می‌دارند، مخالف صریح قانون نباشد در روابط آنها کاملاً نافذ است، حتی اگر برخلاف عرف باشد. لذا طرفین می‌توانند در روابط خود مثلی را به منزله قیمی و یا قیمی را به منزله مثلی قرار دهند (۵۸). همچنین با توجه به پیشرفت صنایع و فناوری که تولید وسایل و کالاها را به صورت یکنواخت و یکسان، به سادگی میسر نموده است حق آن است که امروزه بسیاری از اموال از قبیل سلاح، پارچه، فرش، ظروف و امثال آن‌ها که روزی قیمی به شمار می‌رفتند، در ردیف اموال مثلی و یا در حکم آن قرار گیرند، زیرا هر یک از تعاریف به عمل آمده از مال مثلی در خصوص آن‌ها صادق است (۵۹). با وجود همه این تعاریف و وجوه تمایز این دو نوع از اموال، به عنوان قاعده باید گفت ملاک همان ماده ۹۵۰ قانون مدنی است که در پایان این ماده، تشخیص را بر عهده عرف گذاشته است. بدیهی است که معیار تشخیص اموال مثلی و قیمی توسط عرف، میزان رغبت عمومی است. قانون مدنی نیز در ماده ۹۵۰ به حق، قضاوت را به عرف سپرده است (۵۹).

صرف‌نظر از معیار عرفی مذکور در ماده ۹۵۰، در تطبیق خون بر تعاریف مال مثلی یا قیمی ارائه شده از دیدگاه قانونی و حقوقی، شناخت خون، گروه‌های خونی و اجزاء تشکیل‌دهنده خون و بررسی پزشکی آن ضروری است. شاید در ابتدا این‌گونه تصور شود که خون همانند بسیاری از اشیاء، اشباه و نظائر آن نوعاً زیاد و شایع است و نوع انسان در هر زمان می‌تواند خون بدهد پس مال مثلی محسوب می‌شود و آثار مال مثلی بر آن جاری می‌گردد. روشن است هدف از انتقال خون، انتقال خون سالم و درمان یا حتی نجات جان بیمارانی است که به خون نیاز دارند و قطعاً خون آلوده از بحث ما خارج تخصصی دارد. به استناد ماده ۲۱۵ قانون مدنی، معامله خون آلوده به دلیل عدم مالیت، باطل است.

با عنایت به اینکه این عنصر حیاتی برای استفاده و کاربرد مؤثر در درمان و طب انتقال خون، هم در مرحله گرفتن آن از دهنده خون و هم در مراحل مراقبت و نگهداری و نهایتاً برای تزریق آن به بیمار گیرنده خون، نیازمند فرآوری، غربالگری و آزمایش‌های متعدد و امکانات و تجهیزات خاص پزشکی می‌باشد. اگر شخصی را به موجب قانون یا قرارداد ملزم به تهیه خون بدانیم این‌گونه نیست که بدون مقدمه بتواند خون خود را به دیگری بدهد حال در قالب هر نوع عقدی خواه معین یا غیرمعین، بی‌نام یا بانام. در مرحله اهداء خون، هر شخصی نمی‌تواند خون بدهد ممکن است اصلاً شرایط جسمی دادن خون را نداشته باشد؛ یا اگر شرایط جسمی درستی را از لحاظ پزشکی داشته باشد خون وی ممکن است آلوده بوده و قابل استفاده نباشد؛ خون بعد از اخذ، باید در دماهای خاص و در کیسه مخصوص نگهداری شود و در نتیجه باید با استفاده از دستگاه‌ها و تجهیزات مخصوص از اهداءکننده اخذ و در بانک‌های مخصوص نگهداری شود. برای ترانسفوزیون خون و فرآورده‌های آن باید از وسایل مخصوص استفاده و آزمایش‌های خاصی صورت گیرد. پس صرف گرفتن خون برای انتقال بعدی آن به بیماران نیازمند به این ماده حیاتی کفایت نمی‌کند بدین جهت، مراقبت از خون (هموویژلانس: Hemovigilance) قاطعانه به عنوان یکی از اجزای سلامت و ایمنی زنجیره انتقال خون در نظر گرفته می‌شود که این مهم نیز تنها با وسایل و

پذیرش ریسک انتقال بیماری‌های بعدی در اثر انتقال خون در قبال انتقال بعدی خون دهنده به وی برای جبران خسارت وی عقلانی نبوده و به لحاظ عرف پزشکی نیز پذیرفته نیست. همین دلیل، یکی از دلایل بسیار مهم در اثبات قیمی بودن و نه مثلی بودن خون است. از طرفی ممکن است این تبادلات، به خصوص در شرایطی که خون از طریق قاقاق و یا به هر نحوی که دهنده و گیرنده خون اصلاً همدیگر را ندیده و شناسایی نشوند توسط دلالان رد و بدل شود. قطعاً در اینجا همانند شرایط همسان در پیوند اعضاء اگر چنین معاملاتی صورت گیرد، به علت مترتب نبودن نتیجه عملی بر اعلام عدم نفوذ یا بطلان، تنها از طریق تعیین مجازات بر مرتکبین این عمل غیراخلاقی و به کارگیری فشارهای سیاسی و اجتماعی بر ضد آنها قابل پیگیری خواهد بود (۶۱). این امر نیز مویدی است بر قیمی بودن خون.

با این توضیحات آشکار است که اولاً؛ خون در زمره اموال قیمی قرار می‌گیرد؛ ثانیاً؛ این امر مرتبط با نظم عمومی بوده و نمی‌توان در قراردادهای خصوصی همانند قراردادهای راجع به سایر اموال، ماهیت آن را مطابق اراده و تراضی طرفین، قرار داد و آن را مثلی قلمداد کرد، ثالثاً؛ در صورت ارجاع موضوع به عرف و اعمال قسمت اخیر ماده ۹۵۰ قانون مدنی، در خصوص «خون» نمی‌توان هر عرفی را برای تشخیص این موضوع صالح دانست بلکه تنها باید به عرف پزشکی، آن هم پزشکان متخصص در زمینه این موضوع استناد نمود.

۶. نتیجه‌گیری

اعضاء بدن انسان در گذشته‌های دور از ارزش خاصی برخوردار نبودند و این به دلیل عدم وجود کرامت انسانی برای انسان است بدین جهت هم برای پیشرفت علم پزشکی و هم مراحل بعد از پیشرفت، همواره از اعضاء انسان سوءاستفاده و قاقاق انسان و اعضاء بدن وی شروع و جرم علیه انسان مدرن شد. این امر باعث شد تا همواره در نظام حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی هم از بُعد حقوقی و هم اخلاقی به این موضوع یعنی اعضای بدن انسان توجه کنند. خون انسان به عنوان عضو منحصر به فرد از هر انسان به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد

تجهیزات خاص و نگهداری در مکان‌های مخصوص با دمای معین امکان‌پذیر است؛ همچنین خود فرایند انتقال خون دارای عوارضی است که برای کاهش میزان مرگ و میر، ناتوانی و عفونت‌ها، شناخت و حذف این عوارض و اصلاح علل آنها مستلزم این است که این فرآیند توسط و یا زیر نظر متخصص طب انتقال خون صورت گیرد. هر بیمارستان نیز باید از روش عملیاتی استاندارد مکتوبی جهت تزریق فرآورده‌ها و عناصر خونی به ویژه در شناسایی بیمار، کیسه خون و مستندات مربوط به آن استفاده کند. برای تزریق خون به گیرنده باید آزمایشاتی انجام شود اولاً؛ با توجه به گروه‌های خونی مختلف، خون انتخاب شده باید با خون گیرنده از نظر گروه خونی Rh، ABO هم گروه باشد، ثانیاً؛ آزمایش سازگاری (Cross match) جهت تشخیص آنتی‌بادی‌های موجود در سرم دهنده بر علیه گلبول گیرنده و یا تشخیص آنتی‌بادی‌های موجود در سرم گیرنده بر علیه گلبول دهنده به کار می‌رود (۶۰). لزوم انجام آزمایش‌های مختلف روی دهنده، گیرنده و خون، وجود گروه‌های خونی مختلف و نادر بودن برخی از این گروه‌ها و مشکل بودن تشخیص نوع گروه خونی برای افراد غیرمتخصص، باعث می‌شود که به درستی کل فرآیند انتقال خون در انحصار یک سازمان خاص قرار گیرد که در ایران، طبق اساسنامه سازمان انتقال خون، مصوب ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، سازمان انتقال خون ایران به عنوان تنها مرجع مسئول تأمین خون و فرآورده‌های آن در کشور مشخص و مأموریت اصلی این سازمان، تأمین خون و محصولات خون کافی و سالم به منظور حفظ و ارتقاء سلامت و بهبود کیفیت زندگی تعریف شده است؛ بنابراین دسترسی عموم مردم به این کالا جهت استفاده عقلانی و پزشکی، به صورت معمول و خارج از پروسه سازمان انتقال خون امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در صورت بطلان قرارداد واگذاری خون به جهت عدم تنفیذ معامله اکراهی یا بطلان به جهت جبر بر اهداء آن، بعد از انتقال و تزریق خون، امکان اجبار گیرنده و منتقل‌الیه خون به بازپس دادن خون وجود ندارد. به دلیل احتمال انتقال بیماری‌ها به خصوص بیماری‌های نوظهور در انتقال خون، طب انتقال خون آخرین راه و چاره درمان بیماری‌ها است. پس

مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت. خون را علی‌رغم مایع بودن باید عضوی از اعضاء بدن به شمار آورد که دارای ویژگی‌ها و کاربردهای درمانی خاص خود می‌باشد. لفظ «خون» در قرآن و روایات به کرات به کار رفته است. اما معانی خون در عبارات، ناظر بر معنای لغوی آن نبوده بلکه در معانی دیگر از جمله «نفس» و «جان انسان» بکار رفته است. در فقه نیز فقهای ما عمدتاً اطراف همین موارد مصرحه در قرآن بحث نمودند و ورود به احکام مستحدثه طرح شده در زمینه خون به صورت گسترده صورت نگرفته است. برای خون اصطلاح خاص شرعی یا فقهی وجود ندارد و در حوزه فقه، احکام خوردن خون و طهارت و نجاست آن و همچنین خرید و فروش و ثمن حاصل از آن مورد بحث قرار گرفته است. از دیدگاه پزشکی، خون مایع سرخ‌رنگی است که در تمام رگ‌ها جریان دارد و بدن از آن تغذیه می‌شود، طعمش اندکی شور و دارای بوی مخصوصی است که از طریق قلب، عروق، رگ و مویرگ‌های سیستم گردش خون به چرخش در می‌آید. خون، اکسیژن و مواد مغذی را به سلول‌های بدن حمل و مواد زائد و دی اکسید کربن را دفع می‌کند. خون دارای فرآورده‌هایی است؛ که به محصول گرفته شده از فرآورده اصلی (خون کامل) گفته می‌شود و فواید متعددی می‌تواند داشته باشد.

خون و فرآورده‌های آن برای واگذاری باید مالیت داشته باشد. در گذشته استفاده از خون فقط برای نوشیدن بوده و به همین دلیل کاربرد عقلایی نداشته و منافع محله‌ای برای آن نمی‌شد در نظر گرفت. اما با پیشرفت علم پزشکی مشخص شد که خون کاربردهای درمانی و حتی دارویی فراوانی دارد و حیات بسیاری از افراد وابسته به آن است. خون، تمامی شاخصه‌های مال بودن اشیاء را دارد.

هر چند خون انسان دارای ارزش و قابل خرید و فروش و واگذاری است اما نمی‌توان آن را در ردیف سایر اموال و کالاها قرار داد کالانگاری آن با کرامت انسانی در تقابل است. اما به رغم این موضوع امروزه خون و بخصوص فرآورده‌های خونی که کاربرد دارویی نیز دارند و دارای قیمت بسیار بالایی نیز هستند وجهه تجاری به خود گرفته و حتی در ردیف کالاهای مورد صادرات و واردات قرار گرفته‌اند. به همین جهت فارغ از بُعد

اخلاقی، باید ماهیت خون را از حیث منقول و غیرمنقول بودن و عینی و مثلی بودن مطمح نظر قرار داد. خون به عنوان یکی از اعضاء انسانی در داخل جسم انسان به کار رفته و در آن جریان دارد با این فرض می‌توان منقول یا غیرمنقول بودن آن را نسبت به حالت آن در صورت جدا نمودن از بدن در نظر گرفت؛ خون بدون ایجاد نقصان خاصی در بدن که البته صرف‌نظر از بیماری‌های نوظهور احتمالی برای دهنده خون مدنظر است قابل جدا کردن از شخص و ذخیره می‌باشد. پس غیرمنقول بودن خون به طریق اولی منتفی خواهد بود. همچنین فرض این عضو برای بعد از جدایی از بدن در زمان اتصال آنها به بدن، به دلیل عدم مالیت، مانع منقول بودن آن خواهد بود. اما در صورتی که خون بعد از طی پروسه و منطبق با نظامات مرتبط با طب انتقال خون گرفته شده و در بانک انتقال خون نگهداری می‌شود مالیت داشته و علی‌رغم اینکه منقول بودن خون و یا سایر اعضاء بدن با این اوصاف پذیرفته است حتی در موارد تردید، اصل قابلیت نقل و انتقال را از عمومات ادله می‌توان استناد کرد. بنابراین باید گفت که خون انسان یک مال منقول محسوب می‌شود و احکام حاکم بر مال منقول بر آن حاکم است.

با عنایت به اینکه دسترسی عموم مردم به خون جهت استفاده عقلاتی و پزشکی، به صورت معمول و خارج از پروسه سازمان انتقال خون امکان‌پذیر نمی‌باشد و برای ترانسفوزیون خون و فرآورده‌های آن باید از وسایل مخصوص استفاده و آزمایشات خاصی صورت گیرد خون در زمره اموال قیمی قرار می‌گیرد؛ در صورت ارجاع موضوع به عرف و اعمال قسمت اخیر ماده ۹۵۰ قانون مدنی، در خصوص «خون» نمی‌توان هر عرفی را برای تشخیص این موضوع صالح دانست بلکه تنها باید به عرف پزشکی، آن هم پزشکان متخصص در زمینه این موضوع استناد نمود. این امر مرتبط با نظم عمومی بوده و نمی‌توان در قراردادهای خصوصی همانند قراردادهای راجع به سایر اموال، ماهیت آن را مطابق اراده و تراضی طرفین، قرار داد و آن را مثلی قلمداد کرد.

۷. تقدیر و تشکر

بر خود لازم دانسته از همسر که مشوق و معین بنده در نگارش مقاله حاضر بوده و همچنین از کلیه عزیزانی که در مدیریت نشریه حقوق پزشکی زمینه انتشار آثار مرتبط با عرصه حقوق پزشکی را فراهم نموده‌اند، مراتب سپاس و قدردانی خویش را اعلام نمایم.

۸. سهم نویسندگان

از آنجا که کلیه مراحل تحقیق از جمع‌آوری و فیش‌برداری تا تدوین، تحلیل و جمع‌بندی توسط نویسنده واحد انجام و شخص دیگری در آن سهیم نبوده، لذا کلیه مسئولیت‌ها متوجه نویسنده خواهد بود.

۹. تضاد منافع

پژوهش حاضر تضاد منافع ندارد.

References:

1. Camporesi P. Juice of Life: The Symbolic and Magic Significance of Blood, trans. New York: Continuum Publications; 1996.
2. Schneider DM. What is kinship all about? In: Parkin R, Stone L, editors. Kinship and Family: An Anthropological Reader. Oxford: Blackwell Publishing; 2003. p. 257-76.
3. Younesi Kafshgiri M. Blood Donation. Tehran: Iran Blood Transfusion Organization; 2011. (Persian).
4. Amid H. Farhang Farsi Amid. 1st ed. Tehran: Rah-e Roshd Publications; 2010. (Persian).
5. Carsten J. Blood will out: essays on liquid transfers and flows. United States: John Wiley & Sons; 2013.
6. Hirsch E, Joseph F, James S. New Dictionary of Cultural Literacy. 3rd ed. Boston: Houghton Mifflin Company; 2005.
7. Chase S. The Bloody Truth: Examining America's Blood Industry and its Tort Liability Through the Arkansas Prison Plasma Scandal. Wm. & Mary Bus. L. Rev Publisher; 2012.
8. Sazama K. The ethics of blood management. *Vox sanguinis*. 2007;92(2):95-102.
9. Sazama K. Transfusion medicine for the practicing pathologist/physician with responsibilities for the transfusion service. *Archives of Pathology & Laboratory Medicine*. 2007;131(5):688-9.
10. American Red Cross. Blood facts and statistics. Available at: <http://www.redcrossblood.org/learn-about-blood/blood-facts-and-statistics-blood-components>. 2014.
11. Rudmann SV. Textbook of blood banking and transfusion medicine. 2nd ed. London, United Kingdom: Elsevier Health Sciences; 2005.
12. Spinella PC. Warm fresh whole blood transfusion for severe hemorrhage: US military and potential civilian applications. *Critical care medicine*. 2008;36(7):S340-S5.
13. The American Heritage. Stedman's Medical Dictionary Copyright. Boston: Houghton Mifflin Company; 2002.
14. Hagen P. Blood transfusion in Europe: a "white paper". Strasbourg: Council of Europe; 1993.
15. Hagen PJ. Blood: Gift or Merchandise, Towards an International Blood Policy. New York: Alan R. Liss Inc; 1982.
16. Transfusion Organization website. Available at: <http://www.ibto.ir/HomePage.aspx?TabID=4624&Site=ibto&Lang=fa-IR,Blood>. 2016.
17. Luis John C, Jose C. Basic Histology. 2nd ed. Tehran: Arjmand Publications; 2018. (Persian).
18. Maton A, Hopkins J, McLaughlin CW, Johnson S. Human biology and health. New Jersey: Prentice Hall; 1993.
19. Meshkini MA. Terms of Jurisprudence (in one volume). Bitā, Bija. (Arabic).
20. Akbari A, Babukani E, Shakeri M, Shamli N. Will and Consent of the Guardian in the Member's Perception. *Journal of Islamic Law*. 2009;10(29):197-233. (Persian).
21. Mustafawi SMK. The Rule of Jurisprudence. 4th ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 2000. (Arabic).
22. Kashani MHS. Facilitating the students to the documents. 1st ed. Qom: Scientific Press; 1983. (Arabic).
23. Nouri MMH. Proof of Matters and Related Matters, Narrative Jurisprudence, Al-Bait Foundation. 1st ed. Beirut: Lebanon; 1987. (Arabic).
24. Shirazi SMH. Fiqh, the rules of jurisprudence. Beirut: Imam Reza (as) Institute; 1992. (Arabic).
25. Abedini A. The Rule of the Value of Human Blood: A New Exploration in Islamic Jurisprudence. (Persian).
26. Khoei SAa-Q. Takmela Al-Menhaj. Qom: The Institute of Ehya Asar Imam al-Khoei Raha; 2001. (Arabic).
27. Nouri MMH. Proof of Matters and Related Matters, Narrative Jurisprudence. 1st ed. Beirut: Al-Bait Foundation; 1987. (Arabic).
28. Meshkini MA. Al-Fiqh Al-Mathur. Qom: Al-Hadi Publishing; 1997. (Arabic).
29. Ameli YI. Jurisprudential Terms in Practical Issues, Dar al-Balaghah for printing. Beirut: publishing and distribution; 1992. (Arabic).
30. Nouri MMH. Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il. 1st ed. Beirut: Al-Bayt Foundation; 1982. (Arabic).
31. Ameli HMiH. Wasa'il al-Shi'ah. 1st ed. Qom: Al-Bayt Foundation; 1988. (Arabic).
32. Tabasi N. Cases of Al-Sajn in the Texts and Fatwas. 1st ed. Qom: Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom; 1995. (Arabic).
33. Koleini AJMY. Al-Kafi (Tah- Dar al-Hadith). Qom: Dar al-Hadith for printing and publishing; 2008. (Arabic).
34. Tehrani SMH. Wilayah al-Faqih in the Government of Islam. 1st ed. Beirut: Dar al-Hijjah al-Bayda; 1997. (Arabic).
35. Sabzwari SAa-A. The polite rules (for Lisbzwari). Qom: Al-Manar Institute -Office of Hazrat Ayatollah; 1992. (Arabic).

36. Tusi AJfMH. Al-Khalaf. 1st ed. Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1986. (Arabic).
37. Haeri SKH. Jurisprudence of Contracts. 2nd ed. Qom: Islamic Thought Association; 2002. (Arabic).
38. Amoli AJ. The word about jurisprudence and evolution. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1985. (Persian).
39. Mustafawi H. Research in the words of the Holy Qur'an. Tehran: Quoting the dictionary book "Al-Ain fi al-Lagha"; 1992. (Persian).
40. Aalami Haeri MH. Encyclopedia. Tehran: Al-Aalami Foundation for Publications. (Arabic).
41. Qommi SMAB. The reward of deeds and the punishment of deeds. Qom: Dar al-Sharif al-Radhi for publishing; 1985. (Arabic).
42. Isfahani Majlisi IMT. Rawdat al-Muttaqin in his explanation of the presence of the jurist. 2nd ed. Qom: Islamic Cultural Institute of Kushanbour; 1985. (Arabic).
43. Ameli HMM. Wasa'il al-Shi'ah. Qom: Al-Bayt Foundation; 1988. (Arabic).
44. Katozian N. Introductory Course in Civil Law: Property. 4th ed. Tehran: Dadgostar Publishing; 2001. (Persian).
45. Wolfgang F. European Legal Studies. Walter de Gruyter Publisher; 2011.
46. The Draft Civil Code of the People's Republic of China: English Translation (Prepared by the Legislative Research Group of the Chinese Academy of Social Sciences) Martinus Nijhoff Publishers; 2010.
47. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. 19th ed. Tehran: Ganj-e-Danesh Library Publications; 2008. (Persian).
48. Katozian N. Property and Ownership. 26th ed. Tehran: Mizan Publishing; 2009. (Persian).
49. Adl M. Civil Law. Qazvin: Taha Publications; 2006. (Persian).
50. Mazo J, Shabas F. Courses in Civil Law. Translated By: Katozian N. 10th ed. Tehran: University of Tehran Press; 1990. (Persian).
51. European Union Law After Maastricht: Practical Guide for Lawyers Outside the Common Market, Ralph Folsom, Ralph B. Lake, Ved P. Nanda: Kluwer Law International; 1996.
52. Sharaf al-Din A. Sharia rules for natural practices. Kuwait: National Assembly for Culture, Arts and Literature; 1983. (Arabic).
53. Geddes A. Product and Service Liability in the EEC. London: Sweet and Maxwell; 1992.
54. Geraint H. Comparative Product Liability. Dartmouth Pub Co; 1993.
55. Recueil Des Cours: Collected Courses of the Hague Academy of International Law. Martinus Nijhoff Publishers; 1994.
56. Emami SH. Civil Law. 19th ed. Tehran: Islamic Bookstore Publications; 1998. (Persian).
57. Katozian N. Non-contractual requirements, coercive guarantee. Tehran: University of Tehran Press; 1995. (Persian).
58. Katozian N. Civil Law in the Current Legal Order. 2nd ed. Tehran: Dadgostar Publishing; 1988. (Persian).
59. Imam SMR, Bahmanpour A. The quality of guarantee in usurpation with a critical approach to the concept of proverbs and guardians. *Journal of Knowledge*. 2008;17(134):99-100. (Persian).
60. Educational manual of blood transfusion and blood products and nursing care, training unit of Amini Langrud hospital, compiled on: July 2015. (Persian).
61. Mousavi Bojnourdi SM. An Exploration of Iranian Law with an Approach to Imam Khomeini's Jurisprudential Opinions, Rules of Transaction of Organs in Islam. Information Newspaper. 2014.



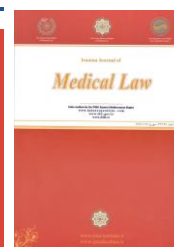
The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal

2021; 15(56): e44.

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Concept and Nature of Jurisprudence, Law of Blood and Blood Products

Ahmad Ommi^{1*}

1. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 21 February 2021

Accepted: 18 July 2021

Published online: 7 August 2021

Keywords:

Blood

Blood Products

Nature of Blood

Fungible Property

Non-Fungible Property

Movable Property

Immovable Property

ABSTRACT

Background and Aim: For a long time, in medical science, it has taught people how to identify diseases and how to diagnose and cure them and how to prevent them perhaps nothing has been more ambiguous than understanding blood. Human blood, as a vital substance by which the essential needs of all tissues and organs of the body are met, has special and distinctive properties in comparison with other organs of the body and is therefore considered by human beings in particular jurists and domestic and international legal systems are located.

Materials and Methods: This research is theoretical and the research method is documentary-library and descriptive-analytical and the necessary analyzes have been done regarding the legal aspects of the subject.

Results: By recognizing the jurisprudential and legal nature of this vital fluid and its products can be recognized other provisions of the principles and nature of blood transfusion medicine, including the capable of being owned, possibility and method of blood donation, blood transfusion services as well as the responsibilities arising from it, consequently, facilitated its various dimensions, especially the moral dimension of blood donation for profit and consequently its merchandising and the effects of blood transfusion medicine, which have been the subject of much jurisprudential and legal controversy.

Ethical considerations: In the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Conclusion: Blood and blood products can be separated from the person and stored without causing any special defects in the body, which, of course, regardless of the possible emerging diseases of the donor, which in this respect is governed by the rules governing movable property. Also, considering that special devices and special tests must be used for transfusion of blood and its products, blood is considered as non-fungible property; This is related to public order and cannot be considered in private contracts as in other property contracts, according to the will and consent of the parties, and it can not be considered as fungible Property.

* Corresponding Author:

Ahmad Ommi

Address: Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Postal Code: 17449-14719

Telephone: 21-777526110

Email: Ahmad.ommi@yahoo.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Ommi A. Concept and Nature of Jurisprudence, Law of Blood and Blood Products. *Medical Law Journal* 2021; 15(56): e44.